



گفت و گو با سید بابک روح‌الامینی
نویسنده کتاب «میرزا حسین خان کسماپی»

گیله‌مرد میهن دوست

صفحه ۸

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4538 | TUE.FEB.17, 2026 | ISSN:2008-2886

| ۱۹۱ سال و ۱۶۹ روز گذشت |

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



تنش‌های پنهان و پیشنهاد اماراتی‌ها به اسکوچیچ
همه چیز را علیه تراکتور کرده است

دراگان ساکش را بسته

صفحه ۶

سه‌شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۴ | ۲۸ شعبان ۱۴۴۷ | ۱۷ فوریه ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۸۸ | صفحه ۱۰ هزار تومان



تیتیر های امر وز



تحلیل آتلانتیک درباره تردیدهای مقامات واشنگتن
برای یک حمله بزرگ و گسترده به ایران

ترس‌های ترامپ

صفحه ۷

درباره حذف تیک آبی مقامات جمهوری اسلامی ایران
در شبکه اجتماعی ایکس

دیگتاوری پلتفرمی

صفحه ۲

هشدار سازمان نظام پزشکی درباره رشد قارچ‌گونه
مراکز غیرمجاز و خطر آن برای سلامت مردم

بکش یا خوشگلم کن!

صفحه ۲

بررسی شکاف میان وعده‌های میلیونی ساخت
چشم هزینه‌های تولید و موانع پروکراتیک
عرضه مسکن

ویژه

معماری آمار در بازار مسکن

صفحه ۳

تهدید و چرخش



نگاه

رضا رحمتی

در تحلیل رفتار سیاسی رئیس‌جمهور آمریکا هیچ پدیده‌ای به اندازه سبک تصمیم‌گیری او در مواجهه با «مشکلات جدی» قابل تبیین روان‌شناختی نیست. مجله آمریکایی آتلانتیک (The Atlantic) در گزارش اخیر خود به بررسی تصمیمات دونالد ترامپ پرداخت و در این باره نوشت: «الگوی رفتاری ترامپ در موضوعاتی که آنها را «مشکلات جدی» می‌نامد، این است که ابتدا گام‌های رادیکال برمی‌دارد اما وقتی با واکنش منفی مواجه می‌شود، عقب‌نشینی می‌کند». بررسی این الگوی رفتاری در باره ایران، حائز اهمیت بسیار است. کل بحث مجله آتلانتیک این است که مطالعه رفتار ترامپ در دوره‌های پیشین نشان می‌دهد او الگوی رفتاری مشخصی دارد: ابتدا گام‌های رادیکال و نمایشی برمی‌دارد، سپس با مشاهده بازخورد منفی یا مقاومت، عقب‌نشینی می‌کند یا تصمیم خود را تعدیل می‌کند. بحث این یادداشت اما این است که این الگو نه تنها محصول شرایط سیاسی است، بلکه ریشه‌های روان‌شناختی عمیقی دارد که می‌تواند پیش‌بینی واکنش‌های او در قبال مسائل حساس از جمله ایران را ممکن کند.

■ ریشه‌های روان‌شناختی الگوی رفتاری ترامپ
تحلیل‌های متعدد، سیاست‌پژوهان، روانشناسان و شخصیت‌شناسان، ویژگی‌های مشخصی را در ترامپ برجسته می‌کنند. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌ها، خودشیفتگی شدید است. این ویژگی شامل نیاز فراوان به دیده شدن، تأیید اجتماعی و حفظ تصویر برنده و قدرتمند است. از منظر روانشناسی، چنین شخصیتی تمایل دارد اقدامات نمایشی و قابل توجه انجام دهد تا بر افکار عمومی و رسانه‌ها تسلط یابد. به همین دلیل، اقدامات اولیه او در هر موضوع مهم، غالباً تند و رادیکال است؛ هدف اول، جلب توجه و تثبیت جایگاه خود در مرکز صحنه است. ویژگی دوم، تمایل به تصمیم‌گیری احساسی و واکنشی است. ترامپ به جای تحلیل بلندمدت و پیچیده، ترجیح می‌دهد بر اساس احساس لحظه‌ای و بازخورد فوری تصمیم بگیرد. این سبک تصمیم‌گیری باعث می‌شود اقدامات او بر سرعت و گاه ناگهانی باشد اما در عین حال در برابر بازخورد منفی انعطاف‌پذیر شود و تصمیمات اولیه را تعدیل کند. از این منظر، عقب‌نشینی پس از واکنش منفی، نه لزوماً نشانه ضعف، بلکه نشانه تطبیق فوری با شرایط و حفظ تصویر قدرت و برتری است. سومین عامل، ذهنیت معامله‌گر و تاکتیک حداکثری است. ترامپ پیش از ورود به سیاست، چهره‌ای برجسته در حوزه کسب‌وکار و رسانه بود. او به طور سیستماتیک از تکنیک «تعین نقطه شروع حداکثری» در مذاکره استفاده می‌کند.

ادامه در صفحه ۷



«وطن امروز» گزارش می‌دهد
دلایل شکاف در اتحاد ۲ سوی آتلانتیک چیست؟

بلوک شکسته

صفحه ۵

رؤیای بهره‌برداری سریع اقتصادی آمریکا از ایران

نقدی علمی بر یک خطای راهبردی

حمایت می‌کرد، شرکت‌های بزرگ آمریکایی عملاً وارد ایران نشدند، چرا که ممنوعیت‌های تحریم‌های اولیه همچنان پابرجا بود.

■ چرا «بهره‌برداری سریع» یک توهم است؟
برای آنکه آمریکا بتواند به صورت واقعی و قانونی در بخش‌هایی مانند نفت، گاز یا معادن ایران سرمایه‌گذاری کند، تحریم‌های اولیه باید لغو شود، نه صرفاً تعلیق. این مسیر، یکی از پیچیده‌ترین و سیاسی‌ترین فرآیندهای قانون‌گذاری در ایالات متحده است.

ادامه در صفحه ۵

منظر حقوقی اساساً اجازه ورود به این حوزه‌ها را ندارد. نکته کلیدی آن است که دولت آمریکا بر خلاف تصویری که گاه در فضای عمومی ایران شکل می‌گیرد، قادر نیست با یک تصمیم سیاسی یا توافق دیپلماتیک ساده، این تحریم‌ها را لغو کند. رئیس‌جمهور آمریکا تنها می‌تواند در چارچوبی بسیار محدود، تعلیق‌های موقت یا مجوزهای خاص صادر کند؛ مجوزهایی که معمولاً کوتاه‌مدت، مشروط و بشدت محدود است و به هیچ‌وجه امکان سرمایه‌گذاری پایدار و بلندمدت را فراهم نمی‌کند. تجربه برجام به‌روشنی نشان داد حتی در دوره‌ای که دولت آمریکا به طور رسمی از توافق

تحریم‌های اولیه ایران عمدتاً بر پایه قوانینی مانند «قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی» (IEEPA) و «قانون تحریم‌های ایران» (ISA) بنا شده است. این قوانین به رئیس‌جمهور آمریکا اختیار داده در شرایط «وضعیت اضطراری»، دارایی‌ها را مسدود و تعاملات اقتصادی را ممنوع کند اما در عین حال، چارچوبی سخت و محدودکننده ایجاد کرده که خروج از آن بدون دخالت مستقیم کنگره تقریباً ناممکن است. اجرای این تحریم‌ها نیز بر عهده «دفتر کنترل دارایی‌های خارجی» (OFAC) است؛ نهادی که به دقت و با سخت‌گیری، دامنه ممنوعیت‌ها را کنترل می‌کند. در این چارچوب، صنایع نفت و گاز ایران نه تنها در فهرست تحریم‌ها قرار دارد، بلکه به عنوان «بخش‌های راهبردی» تعریف شده است. هرگونه سرمایه‌گذاری، تأمین مالی، انتقال فناوری، ارائه خدمات فنی یا حتی مشارکت غیرمستقیم شرکت‌های آمریکایی در این حوزه‌ها، به طور صریح ممنوع است.

معادن و صنایع فلزی ایران نیز، بویژه در سال‌های اخیر، به همین سرنوشت دچار شده و همزمان تحت تحریم‌های اولیه و ثانویه قرار گرفته است. این بدان معناست که حتی اگر یک شرکت آمریکایی بخواهد، از

«بهره‌برداری سریع» آمریکا از بخش‌هایی چون نفت، گاز و معادن ایران، در شرایطی مطرح می‌شود که این حوزه‌ها در قلب سخت‌ترین و قدیمی‌ترین تحریم‌های اولیه ایالات متحده قرار دارند؛ تحریم‌هایی که نه با اراده دولت آمریکا، بلکه تنها با فرآیندی پیچیده و پرهزینه در کنگره قابل رفع هستند. نادیده گرفتن این واقعیت، بیش از آنکه نشانه ابتکار دیپلماتیک باشد، علامتی از ساده‌سازی مفرط یک مساله پیچیده است.

■ تحریم‌های آمریکا و موانع حقوقی سرمایه‌گذاری در ایران
تحریم‌های آمریکا علیه ایران بر یک معماری حقوقی چندلایه و به غایت سختگیرانه بنا شده است. این تحریم‌ها صرفاً تصمیمات اجرایی دولت‌ها نیست، بلکه بخش عمده‌ای از آنها در قالب قوانین الزام‌آور کنگره نهادینه شده است. به طور کلی، این ساختار از ۲ دسته تحریم تشکیل شده است: تحریم‌های اولیه و تحریم‌های ثانویه. تحریم‌های اولیه مستقیماً اشخاص، شرکت‌ها و نهادهای آمریکایی را از هرگونه تعامل اقتصادی با ایران منع می‌کند و تحریم‌های ثانویه، همین ممنوعیت را از طریق تهدید و فشار، به شرکت‌ها و بانک‌های غیرآمریکایی تعمیم می‌دهد.



یادداشت

مهدی سیفت‌تیریزی

در تازه‌ترین اظهارنظر، حمید قنبری، معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه و یکی از اعضای تیم مذاکره‌کننده اعلام کرده است برای پایداری هر توافق احتمالی میان ایران و ایالات متحده، ضروری است آمریکا بتواند از «حوزه‌های با بازده اقتصادی بالا و سریع» در ایران بهره‌مند شود. این گزاره، در نگاه نخست شاید حامل نوعی منطق سیاسی به نظر برسد؛ منطقی که می‌کوشد پایداری توافق را به منافع ملموس اقتصادی برای طرف مقابل گره بزند. با این حال، وقتی این سخن در ترازوی حقوقی، اقتصادی و تجربه عملی سیاست تحریم‌های آمریکا قرار می‌گیرد، نه تنها وزن استدلالی خود را از دست می‌دهد، بلکه به یک خطای تحلیلی پرهزینه تبدیل می‌شود؛ خطایی که هم می‌تواند جایگاه تیم مذاکره‌کننده ایران را تضعیف کند و هم در داخل، انتظارات غیرواقعی و مخرب ایجاد کند. مساله اصلی آن است که این سخن، با واقعیت ساختار تحریم‌های آمریکا و محدودیت‌های عمیق حقوقی و سیاسی آن کشور همخوانی ندارد. ادعای امکان

**فراخوان مناقصه عمومی
یک مرحله‌ای**

**تأمین، نصب و راه اندازی ۵ دستگاه دیزل ژنراتور
در اماکن کمرک جمهوری اسلامی ایران**

ارواح به صفحه ۴

**پیامک
خوانندگان**

۱۰۰۰۲۳۱